



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

جبر و اختیار از دیدگاه صدرالمتألهین

زینب دانائی فرا^۱، فردین احمدی^۲

۱- دانشجوی دکتری الهیات، دانشگاه یزد

۲- مدرس دانشگاه فرهنگیان و آزاد

چکیده

مسئله جبر و اختیار و رابطه آن با افعال انسان، یک از مهمترین مباحثی است که از دیرباز تا کنون مورد توجه اندیشمندان مسلمان واقع شده است. که موجب پیدایش سه دیدگاه مهم و مشهور، جبرگرایان (اشاعره)، تفویض (معتزله) و امر بین الامرین (شیعیان) شده است. در پژوهش حاضر تلاش بر این است تا با شیوه توصیفی، جبر از دیدگاه صدر المتألهین و تفاوت دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار گیرد. در نتایج حاصل از پژوهش می توان گفت که تفاوت نظر ملاصدرا با نظر جمهور حکمای اسلام و متکلمان امامیه در اینست که از نظر آنها انسان فاعل قریب افعال خود و خداوند فاعل بعید. اما از نظر ملاصدرا، افعال بدون هیچ واسطه‌یی منتسب به حق تعالی هستند.

واژگان کلیدی: ملاصدرا، جبر، اختیار، امر بین الامرین، راسخان در علم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

طرح مسئله

بحث جبر و اختیار در زمان پیامبر(ص) برای مسلمانان مطرح بوده است و باعث پیدایش مجادلاتی میان پیامبر و مخالفان ایشان، اعم از مشرکان، مسیحیان و یهودیان شده است. این اختلافات هم چنان بعد از پیامبر (ص) دامنگیر مسلمانان بوده است. از جمله اشاعره گمان کرده‌اند یک فعل اختیاری نمی‌تواند دو فاعل مختار داشته باشد لذا اشاعره قائل به جبر اما متکلمان امامیه از جمله «ملا صدرا» قائل به «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» و یا راسخان در علم می‌باشد.

در پژوهش حاضر با تکیه بر آیات قرآنی تلاش می‌شود تا با شیوه توصیفی، موضوع ذکر شده تبیین گردد. بنابراین سوال اصلی این پژوهش جبر و اختیار از دیدگاه صدرالمتهلین است. و همچنین پاسخ به سؤال فرعی نیز به شکل زیر در این تحقیق مد نظر است.

۱. تفاوت دیدگاه ملاصدرا با اشاعره و معتزله در چیست؟

در مورد پیشینه پژوهش نیز باید گفت تا جایی که نگارنده جست و جو نموده تا کنون هیچ مقاله ای تحت عنوان جبر و اختیار از دیدگاه صدرالمتهلین به رشته ی تحریر در نیامده.

مفهوم اختیار

فاعلی است که صدور فعل از او به منشأ علم و اراده و رضای او صورت گیرد. خواه علم و اراده مصداقاً عین هم باشند و خواه غیرهم. چنانکه ملاحظه می‌شود صدرالمتهلین اختیار و فاعل مختار را نیز با دید کلی می‌نگرد، و مطلبی که در این مورد ارائه می‌کند چنان است که هم شامل خداوند و هم سایر فاعلهای مختار مانند انسان باشد. بدین ترتیب او دو ملاک برای تشخیص فاعل مختار از غیر مختار معرفی می‌کند که یکی علم به فعل از سوی فاعل است و دیگری ملایمت فعل با ذات فاعل؛ که در فاعل مختار هر دو اینها باید تحقق داشته باشد. (صدرالمتهلین، اسفار، ص ۳۳۲).

از سوئی با توجه به اینکه صدرالمتهلین در برخی مواقع به جای لفظ مختار از لفظ فاعل مرید (صدرالمتهلین، اسفار، ص ۳۱۸) استفاده می‌کند و از سوی دیگر با ملاحظه ملا کهای او برای تشخیص فاعل مختار از غیر مختار، می‌توان پی برد که از حیث مصداق هر فاعل مریدی، فاعل مختار است و برعکس. زیرا صدرالمتهلین اراده را عبارت از بهجت ناشی از درک کمال و خیر می‌داند یعنی فاعل مرید هم دارای علم و شعور است چرا که اراده به معلوم تعلق می‌گیرد نه به مجهول، و هم فعل ملائم با ذات اوست چرا که نسبت به مراد حبّ و رضا دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مفهوم جبر

ملا صدرا با ذکر دو قید فاعل مختار را از غیر مختار متمایز نموده است؛ فاعل غیر مختار یا چنین است که علم به فعل دارد اما فعل ملایم با ذاتش نیست که این گونه فاعل را ملجاء یا مجبور می‌نامند، یا چنین است که فعل ملایم ذاتش است اما علم بدان ندارد که چنین فاعلی را موجب می‌گویند، مانند آتش که می‌سوزاند، یخ که خنک می‌کند و قوای طبیعی که شعور نسبت به فعل خود ندارند. بدینسان از دیدگاه صدر المتألهین، فاعل یا مختار است یا غیر مختار و غیر مختار یا موجب است یا مجبور. (مقیمی. گیتا. ص ۱۰۸).

سه دیدگاه اشاعره، معتزله، شیعه

به طور کلی در مسأله جبر و اختیار و رابطه آن با خداوند، سه فرض قابل تصور است: فرض اول، به اشاعره و جبریون تعلق دارد که معتقدند: انسان در اعمال خویش، هیچ گونه نقش و تأثیری ندارد و اعمال انسان مخلوق خداست و به وسیله وی به واسطه انسان انجام و صادر می‌شود. (قربانی، زین العابدین، ص ۲۲). فرض دوم، متعلق به معتزله و مفوضه است که بر این باورند خداوند بعد از آفرینش انسان، قدرت مستقل و کافی برای انجام فعل به انسان عطا کرده است و انسان در انجام فعل خویش با اختیار خود و مستقلاً عمل می‌کند و به قدرت الهی نیازی ندارد و خداوند نیز در صدور افعال از انسان نقشی ندارد. (قدردان قرا ملکی، محمد حسین، ص ۱۳۱). رهیافت و نظریه سوم امر بین الامرین از سوی امامان (ع) مطرح شد. که نه قایل به جبر مطلق اند و نه قایل به اختیار مطلق.

اما یک نظر چهارمی هم هست که صدر المتألهین ارزش فراوانی برای آن قائل شده و آن نظریه راسخان در علم است. آنچه که بیشتر مرتبط با بحث ما می‌باشد نظریه امر بین الامرین و راسخان در علم است و نیازی به تبیین اعتقادات اشاعره و معتزله نیست.

امر بین الامرین

خداوند در قرآن کریم حقیقت امر بین الامرین را بیان کرده و به انسان گوشزد مینماید که افعالی که از او صادر می‌شود از روی اراده و اختیار اوست و در عین حال وابسته به ذات اقدس حق است. نظریه‌ی «امر بین الامرین» اولین بار توسط ائمه‌ی اطهار (علیه‌السلام) نیز ابراز شد و مورد قبول محققین از متکلمان امامیه و جمهور حکمای اسلامی قرار گرفته است. بحارالانوار، ج ۵، ص ۵۷، باب اول، ج ۱۰۳.

براساس آموزه‌های مکتب تشیع، عمومیت قضا و قدر و قدرت الهی با اختیار انسان سازگار است، چون افعال اختیاری انسان با قید اختیار متعلق قدرت و اراده‌ی خدا است. خداوند قدرت و توان انجام کار را به آدمیان عطا فرموده و اراده و اختیار آنها را جزء اللعه قرار داده است؛ عقاید اسلامی در پرتو قرآن، حدیث و عقل، ص ۱۵۳.

بنابراین برخی از افعال انسان با اراده و اختیار او به مرحله‌ی وجوب میرسد و تعلق اراده‌ی دو فاعل مختار در طول یکدیگر بر یک فعل امکان‌پذیر است. فیض کاشانی، علم‌الیقین، ص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ همو، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۷۲۳.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انسان فاعل مباشر افعال خود و خداوند فاعل با واسطه‌ی آنهاست حقیقت بداء حاکی از سازگاری عمومیت قدرت الهی با اختیار انسان است. براساس لطف لایزال الهی، انسان تنها موجودی است که قادر به تغییر سرنوشت خویش می‌باشد و در اثر انجام کارهای شایسته یا ناشایست سرنوشت خود را رقم می‌زند. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۷۵۳، ۷۶۲، ۴۱۱، ۴۵۱، ۴۸۴؛ ملاصدرا، المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه، ص ۴۹.

از امتیازات این راه این است که هم عمومیت قدرت الهی را حفظ می‌کند و هم اختیار و آزادی انسان را، و میان آن دو هیچ منافاتی ندیده و می‌گوید، در صدور افعال هم خداوند دخیل است و هم انسان؛ چون کسی که معتقد به این نظریه است همانند کسی است که هر دو چشم او سالم است و نقصی در دید خود چه دور و چه نزدیک ندارد و این شخص با یک چشم تأثیر خلق و با چشم دیگر تأثیر خالق را در صدور افعال می‌بیند و در نتیجه در مورد هیچ کدام دچار نقص و غفلت نمی‌شود، صدرالمتهلین در وصف اینها می‌گوید: «واما کسی که به طور حق بنگرد، قلبش دارای دو چشم خواهد بود، با چشم راست حق رامی‌بیند و اعمال چه خیرش و چه شرش را و با چشم چپ خلق رامی‌بیند، پس تأثیر آنها در اعمال رابه واسطه خداوند سبحان اثبات می‌کند و نه به طور استقلال.» (صدر المتألهین، رساله قضا و قدر، ص ۲۰۲).

تفسیر ملاصدرا در مورد امر بین الامرین

ملاصدرا در کتاب اسفار مینویسد: معتزله بخاطر تنزیه خداوند از ارتکاب قبايح و شرور و توجیه تکلیف انسان و وعد و وعید الهی، آدمی را در برخی از افعال خود کاملاً مستقل دانسته‌اند که این نظر آنها در واقع موجب شرک است. ملاصدرا، الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة، ج ۶، ص ۳۷۷ - ۳۷۶

اشاعره و پیروانشان هم گفته‌اند تمامی افعال در این عالم با قضا و قدر الهی تحقق می‌یابد لکن، مشیت خدا بر این جاری است که مسببات را بدنبال اسباب بیاورد؛ بدون اینکه آن اسباب در تحقق مسببات مؤثر باشند و گرنه خداوند در تأثیر و علیت خود. (همان، ص ۳۷۸ - ۳۷۷) محتاج به واسطه خواهد بود که موجب نقصان و قصور در تأثیر خداوند می‌باشد.

بنظر ملاصدرا همانطور که حکما و خواص از متکلمان امامیه گفته‌اند، ممکنات عالم بترتیب و برحسب قابلیت‌هایی که دارند از مبدأ هستی افاضه میشوند، پس نقصان در ناحیه‌ی قابل است نه در خداوند قادر؛ و چون خود سبب متوسط هم صادر از حق تعالی است خداوند در ایجاد هیچ شیئی محتاج به غیر نیست. قول حق، متوسط میان جبر و تفویض است.

ملاصدرا نقش اراده و قدرت آدمی را در تحقق افعال انسانی می‌پذیرد و از طریق احاطه و سیطره‌ی قدرت الهی بر انسان و افعالش همان فعل را مستند به خداوند می‌داند. او می‌گوید: فعل انسان در همان موطنی که به او منسوب است، به حق تعالی هم نسبت داده میشود، چون انسان شأنی از شئون فاعلیه‌ی خداوند است و فعل او هم مسخر در گاه الهی است. همان، ص ۳۷۹ - ۳۷۸.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ذات حق تعالی در نهایت بساطت و احدیت خود، مستجمع تمامی حقایق وجودی و کمالات مراتب هستی است، نور او در سراسر موجودات هستی پراکنده شده و همه مقهور نور محیط و قاهر او هستند. (همان، ص ۳۱۰). چنانکه در وجود هیچ شأنی نیست مگر اینکه شأن اوست، در وجود هر فعلی نیست مگر اینکه فعل اوست. پس هر فعلی که از انسان صادر میشود علاوه بر اینکه در حقیقت فعل اوست، بطریق اعلی و اشرف حقیقتاً فعل الهی هم میباشد. همان، ص ۳۱۱؛ همو، الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة، ج ۶، ص ۳۸۰.

تمامی ممکنات عالم متقوم به وجود حق تعالی است. فاعلی که وجودش عین ربط به علت و قائم به واجب تعالی است، فعلش نیز قائم و مستند به حق است. فاعلیت انسان مستهلک در فاعلیت خداوند است چون انسان فاعل بالتسخیر است. همو، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ص ۷۶.

ملاصدرا این دیدگاه را بر این کلام امام علی (علیه السلام): «لجبر ولاتفویض بل امر بین الامرین» منطبق می‌داند و میگوید: منظور امام این نیست که فعل بنده خالی از جبر و اختیار باشد یا ترکیبی از آن دو بلکه منظور اینست که بنده در عین اختیارش مجبور و مضطر است و در عین اضطرارش مختار می‌باشد. ملاصدرا، الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة، ج ۲۰، ص ۳۱۴.

براساس قضا و قدر الهی، فعل انسان بواسطه‌ی اسباب و علل متعدد پدید می‌آید؛ اسباب و عللی که خارج از قدرت و اختیار ماست. وقوع فعل آدمی نسبت به علت تامه و جمیع اسباب پیدایش آن که خداوند مقرر فرموده، واجب و اضطراری است و همان فعل نسبت به هر یک از علل ناقصه‌ی خود از جمله اراده‌ی انسان ممکن الوقوع و اختیاری است؛ لذا فعل انسان در عین اضطرار، اختیاری است و در عین اختیار، اضطراری میباشد. همو، الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة، ص ۳۸۲.

ملاصدرا برای روشن ساختن دیدگاه خود - مبنی بر نسبت حقیقی فعل به انسان و خدا - آن را در یک تمثیل زیبا به نفس و قوای پنجگانه‌ی آن تشبیه میکند که اصل فعل منسوب به نفس است؛ با وجود این، آن فعل به خود قوا نیز حقیقتاً نسبت داده میشود همانطور که فعل دیدن هم به قوه‌ی باصره منسوب است و هم به نفس، افعال صادره از بندگان نیز هم حقیقتاً فعل بندگان است و هم بطریق اعلی و اشرف به حق تعالی منسوب است. همو؛ الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة، ص ۳۸۲ - ۳۸۱ و ۳۸۵.

نظریه راسخان در علم

از نظر ملاصدرا این نظریه از ارزش والایی برخوردار است. و معتقد است که نظریه‌ی ای شریف و لطیف می‌باشد. (صدرالمتالهین. اسفار. ج ۶ ص ۳۷۴) صدرالمتالهین بیان می‌کند که این مطلب به دنبال ریاضت های فراوان، برای مردان الهی کشف گردیده و وی برهانی مطابق با آن کشف و شهود بر آن اقامه کرده است.

بر اساس این نظریه، تمامی موجودات علاوه بر تباین شان، در حقیقت واحده الهی جمع بوده و نور الهی محیط و قاهر بر تمامی آنها می‌باشد؛ لذا همان طوری که در وجود هیچ شأنی نیست، مگر شأن خداوند است، همچنین هیچ فعلی هم در وجود نیست، مگر فعل



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اوست؛ پس هر فعلی که از موجودات واز جمله انسان صادر می‌شود، این فعل همچنین بر وجهی اعلی و اشرف فعل الهی هم می‌باشد؛ چون تمامی افعال به سبب احاطه واجب تعالی بر همه اشیاء بدون واسطه به خداوند استناد دارند ودر عین حال مستند به خود اشیاء و از جمله بندگان نیز می‌باشد. (قربانی. زین العابدین. ص ۱۲۳)

ملاصدرا در توصیف این نظریه می‌گوید: «طایفه دیگر که عبارتند از راسخان در علم، که انسان اهل الله خاص می‌باشند، معتقد شده اند به این که موجودات علاوه بر تباین شان در ذات ها و صفات و افعال و ترتب شان در قرب و بُعد از ذات احدی، همه آنها را حقیقت واحده الهی که جامع تمامی حقایق و طبقات [آن موجودات] است، جمع می‌کند؛ نه به این معنی که حق سبحانه واحدی باشد که مرکب از مجموع اشیاء است که حق تعالی، بدور از عیب کثرت و ترکیب می‌باشد، بلکه به این معنی است که این حقیقت الهیه، با این که در نهایت بساطت و احدیت است، خودش در اقطار آسمانها و زمینها نفوذ می‌کند، و هیچ ذره ای در اکوان وجود نیست مگر این که نور الانوار، محیط و قاهر به آن می‌باشد، و اوست قائم به هر نفسی در مقابل آنچه که کسب کرده است. و او باهر چیزی است نه به صورت مقارنه و غیر هر چیز است نه به صورت مزایله «و اوست کسی که در آسمان إله است و در زمین نیز إله است.» (صدرالمتالهین. خلق الاعمال. ص ۱۳۹).

ارزیابی صدرالمتالهین از نظریه راسخان در علم

ملا صدرا در ارزیابی این نظریه، می‌گوید که نظریه راسخان در علم، نظریه ای شریف و لطیف می‌باشد. چون این نظریه، نظریه ای است که هم بهره مند از کشف و شهود می‌باشد و هم به طور دقیق مبرهن شده است. و همچنین ملا صدرا معتقد است که معنای حقیقی «امر بین الامرین» به واسطه این توجیه تحقق می‌یابد. و همچنین معانی آیات الهی نیز بر اساس نظریه راسخان در علم مبین می‌گردد؛ لذا وی در رساله خلق الاعمال می‌گوید: «بواسطه این تحقق، سرّ این سخن خداوند منکشف می‌گردد که می‌فرماید: «وما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی»، که از پیامبر اکرم (ص) سلب تیراندازی کرده از آن حیث که برایش اثبات کرده است.» (صدرالمتالهین، رساله خلق الاعمال، ص ۲۷۹)

صدرالمتالهین بعد از تبیین نظریه راسخان در علم، به گرایش خود به این نظریه اقرار کرده و این نظریه را بهترین نظریه می‌داند. وی در رساله شواهد الربوبیه به بیان اعتقاد خود پرداخته و می‌گوید: «اعتقاد ما در مورد افعال بندگان مفاد این سخن خداوند است که می‌فرماید: «و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی.» و همچنین این سخن الهی: «و ما تشاؤون إلا أن يشاء الله».



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پس، ای جبری مسلک! بدان که فعل تو به سبب مباشرت تو در انجام آن، ثابت است برایت. وای قدری مذهب! بدان که فعل تو، مسلوب از تو می‌باشد؛ چون وقتی که از ارتباط و نیازمندی وجود تو به وجود حق چشم پوشی شود، آن باطل خواهد بود؛ پس فعل تو نیز این چنین است؛ چون هر فعلی متقوم به فاعلش می‌باشد، و با دیده عبرت در فعل حواس بنگرید که چگونه محو و مندرج در اراده نفس و تصورش می‌باشد، و همگی این سخن خداوند را بخوانید «قاتلوهیم یعذبهم الله بایدیهیم.» و با این سخن امام حق (ع) مصالحه کنید که می‌فرماید: «لا جبر و لا تفویض بل امر بین ال امرین.» (رساله الشواهد الربوبیه، مجموعه رسائل فلسفی، ص ۳۲۷).

شبهه

اگر بپذیریم که انسان دارای افعال اختیاری است، آنگاه این شبهه مطرح می‌شود که اگر چه انسان دارای اختیار است اما اسباب و علل خارجی، اراده را بر انسان تحمیل می‌کنند و این مسئله را هم بالوجدان می‌یابیم و هم بالبرهان. یعنی هم وجدانا "می‌بینیم که علل خارجی ما را وادار می‌کنند که فعلی ارادی انجام دهیم و بر اساس برهان از آنجائیکه اراده انسان ممکن است و هر ممکنی باید به واجب منتهی شود، پس اراده ما در نهایت به اراده بالذات یعنی اراده الهی استناد دارد، پس قهراً اراده کردن انسان در اختیار خود او نیست و لذا انسان مجبور است افعال خود را اراده کند در نتیجه آن افعال هم جبری خواهد بود (قراملکی . ص ۲۶۸)

حکمایی نظیر فارابی، بوعلی و محقق داماد پاسخهایی به این شبهه داده اند که برخی از این پاسخها مورد قبول صدرالمتهلین قرار گرفته است . او خود در پاسخ به این شبهه اینگونه به حل مشکل می‌پردازد که فاعل مختار، فاعلی است که فعلش به اراده او انجام گیرد نه آنکه اراده اش هم به اراده خود او باشد، و نشانه این امر آن است که اگر در حقیقت ارادی بودن فعل اخذ شده باشد که اراده فعل هم به اراده فاعل باشد در اینصورت لازم می‌آید که خداوند فاعل ارادی نباشد زیرا اراده خداوند، ارادی نیست بلکه عین ذات اوست و چون خداوند فاعل ارادی است پس مقوم ارادی بودن فعل فقط صدور آن به منشاء اراده است نه اینکه اراده هم از اراده صادر گردد. صدرالمتهلین ، اسفار ج ۶ ص ۳۸۸).

نکته ای که با توجه به پاسخ حکماء به این شبهه و دیدگاه کلی آنها در مورد امر بین الامرین بدست می‌آید آن است که اصلاً چنین شبهه ای که با استناد به ختم شدن همه اراده ها به اراده حقتعالی مطرح می‌شود، قول قائلین به تفویض را ابطال می‌کند نه آنکه اثبات کننده جبر باشد، حال آنکه حکماء نه به جبر قائلند و نه به تفویض. اگر حکماء با ابطال جبر، قائل به تفویض می‌شدند این شبهه می‌توانست رأی ایشان را ابطال نماید اما آنها قائل به امر بین الامرین هستند و این شبهه نمی‌تواند خللی در این دیدگاه ایجاد کند.

نظر صدرالمتهلین در اثبات اختیار

ملا صدرا برای تبیین بیشتر نظریه خود (نسبت حقیقی فعل به انسان و خدا) به قوای پنجگانه نفس استشهد می‌ورزد که اصل فعل متعلق به نفس است؛ با وجود این، فعل به خود قوا نیز به طور حقیقت استناد می‌شود. وی این نکته را یاد آوری می‌کند که نقش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

قوای پنجگانه با انسان در فعل به معنای مشارکت قوا و انسان در فعل نفس و خداوند نیست. (صدرالمتا لهین، اسفار ج ۶ ص ۳۷۷ و ۳۷۸) این نظریه حکمت متعالیه مورد رضای گروهی از معاصران قرار گرفته است. (ملا هادی سبزواری: شرح منظومه، ص ۱۷۶؛ شرح الأسماء الحسنی، ص ۱۱۰؛ اسرا الحکم، ص ۱۱۰؛ محمد حسین، کمپانی، نهاییه الدرایه، ج ۱، ص ۱۷۰- سید روح الله (امام) موسوی خمینی، رساله طلب و اراده، ص ۲۸۶).

طبق دیدگاه راسخون در علم همانطور که چیزی در عالم یافت نمی‌شود، مگر اینکه جزو شئون الهی بشمار آید و صفتی در جهان نیست، مگر اینکه جزو شئون اوصاف خداوند باشد، همینطور هم کار و فعلی در عالم یافت نمی‌شود، مگر اینکه جزو شئون افعال خداوند باشد. خداوند از حیث ذات، صفت و افعال نامحدود است؛ پس تمام هستی‌ها زیر پوشش این هستی نامحدود قرار دارند و همینطور تمام وصف‌ها زیر پوشش اوصاف نامحدود او وهمه کارها و افعال تحت پوشش ربو بیتش هستند. (صدرالمتا لهین، خلق الاعمال ص ۱۳۹).

به این ترتیب اراده خداوند و اراده انسان نه در طول همدند و نه در عرض هم، بلکه با همدند آنطوریکه محیط و محاط با همدند و آنطوریکه قیّم و متقوم با همدند و در عین حالی که همه چیز تحت پوشش اراده خداوند است، شئون الهی نیز الغاء نمی‌شوند و محفوظند. در توحید افعالی که صدرالمتا لهین آن رامعنای واقعی امر بین الامرین می‌داند در همان موطنی که فعل به انسان اسناد داده می‌شود به خداوند هم اسناد داده می‌شود و در همان موطنی که فعل مال انسان است مال خداوند هم هست. به این ترتیب فعل بسیط در عین حال که اختیار محض است، در تسخیر محض (صدر الدین الشیرازی- الشواهد الربوبیه- ص ۴۹۱) هم می‌باشد. پس لا جبر ولا تفویض معنایش این نیست که افعال انسان برخی از روی جبر و برخی از روی تفویض است، یا نه جبر است و نه تفویض، یا اختیار انسان از یک جهت و اضطرار از جهت دیگر است، یا فعل انسان به اختیار او است اما اختیارش به اختیار خود او نیست؛ بلکه در معنای دقیق و واقعی لا جبر و لا تفویض، مرز بندی و تقسیم به چند محدوده و چند موطن وجود ندارد و اختیار انسان عین اضطرار اوست. (صدرالمتا لهین، خلق الاعمال ص ۱۴۱).

نتیجه گیری

اشاعره برای دفاع از توحید افعالی از عدل الهی غفلت نموده و به نظریه جبر روی آوردند و معتزله جانب عدل را اختیار کرده و توحید افعالی را زیر سؤال بردند. اما مکتب تشیع با طرح نظریه‌ی «امر بین الامرین»، ضمن حفظ هر دو اصل توحید افعالی و عدل الهی، به تبیین اختیار انسان در پرتو فاعلیت الهی می‌پردازد. بر اساس آموزه‌های مکتب تشیع، عمومیت قضا و قدر و قدرت الهی با اختیار انسان سازگار است چون افعال اختیاری انسان با قید اختیار متعلق قدرت و اراده‌ی خدا است. از اینرو، ملاصدرا در عین حال که نقش اراده و قدرت آدمی را در تحقق افعالش می‌پذیرد، همان فعل را از طریق سیطره‌ی قدرت الهی بر انسان و افعال انسان به خداوند نسبت می‌دهد، ولی استناد افعال انسان به خداوند، آزادی و اختیار را از انسان سلب نمی‌کند، زیرا اراده‌ی حق بر این تعلق گرفته که افعال انسان با وصف اختیاری تحقق یابد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع و ماخذ

*قرآن کریم

۱. آشتیانی، سید جلال الدین، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکمه، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲. جامی، عبدالرحمن بن احمد، نقد النصوص، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات ویلیام چیتیک، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۳. سبحانی، عقائد الاسلام در پرتو قرآن، حدیث و عقل، ص ۱۵۳.
۴. سبزواری، ملاهادی، شرح المنظومه، طبع قدیم، انتشارات مصطفوی، قم، ص ۱۷۶.
۵. سبزواری، ملاهادی، شرح اسماء الحسنی، تحقیق نجفقلی حبیبی، دانشگاه تهران، ص ۱۱۰.
۶. سبزواری، ملاهادی، اسرار الحکم با حواشی ابوالحسن اشعری، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ص ۱۱۰.
۷. صدرالمتألهین، الحکمه المتعالیه، فی السقار العقلیه الاربعه، ج ۶، ص ۳۷۶-۳۷۷.
۸. ج ۶، ص ۳۸۲.
۹. ج ۶، ص ۳۸۵.
۱۰. صدرالمتألهین، اسفاراربعه، مصطفوی، قم، ص ۳۳۲.
۱۱. ص ۳۷۴.
۱۲. صدرالمتألهین، الشواهد الربوبیه، ترجمه دکتر جواد مصلح، سروش، ص ۴۹۱.
۱۳. صدرالمتألهین، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، چاپ دوم تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۷۶.
۱۴. ص ۳۲۷.
۱۵. صدرالمتألهین، شرح اصول کافی، ترجمه محمد خواجهوی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۶. صدرالمتألهین، خلق الاعمال، ص ۱۳۹.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۷. ص ۲۷۹.
۱۸. فیض کاشانی، محسن، علم یقین، ث ۱۷۹ و ۱۸۰؛ همو تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۷۲۳.
۱۹. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۷۵۳.
۲۰. قربانی، زین العابدین، جبر و اختیار، به انضمام رساله خلق الاعمال، نشر سایه، چاپ اول، ص ۲۲.
۲۱. ص ۱۲۳.
۲۲. قدردان قرا ملکی، محمد حسین، نگاه سوم به جبر و اختیار، سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۱۳۱.
۲۳. کمپانی، محمد حسین، بی تا، نهاییه الدراییه، مطبعه الطباطبایی، قم.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، انتشارات علمیه الاسلامی، تهران، ج ۱.
۲۵. مطهری، مرتضی، بی تا، انسان و سرنوشت، انتشارات صدرا، قم.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله (امام)، طلب واراده، ترجمه احمد فهری، انتشارات علمی و فرهنگی تهران.
۲۶. مقیمی، گیتا، تبیین فلسفی اراده از دیدگاه توماس آکوئیناس و صدرالمآلهین مقطع دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۰۸.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵، ص ۵۷، باب اول، ج ۱۰۳.